

پدیده‌های به اسم «سهراب‌زدگی» در شعر امروز

نوشته مسعود بهنام - دانشجوی رشته
داروسازی دانشگاه شهید باهنر

□ شعرهای سهراب سبهری، شعرهایی خصوصاً هستند. به همین دلیل، خواننده به سختی می‌تواند آنها را درک کند و فقط محو تماشای تصویرسازی و بازی با کلمات شاعر می‌شود و از جاندار دیدن اشیاء در چشم شاعر، لذت می‌برد.



جنگ تحمیلی و آثار آن دانست. جنگ، همواره اثراتی عمیق و ماندگار در جوامع بشری باقی گذارده است. اگر از بعد هنری به سینمای بعد از وقوع يك جنگ در دنیا نگاه کنیم، از يك سو شاهد فیلمهای ضد جنگ و انسان دوستانه هستیم و از طرف دیگر با موجی از فیلم‌های موزیکال - مثلاً بعد از شکست آمریکا در ویتنام در اواخر دهه شصت مواجهیم. اینها در حقیقت واکنشهای مستقیم جامعه در قبال جنگ است.

نمونه دیگر، پیدایش مکتب اگزیستانسیالیسم است که آن هم بعد از جنگ جهانی و نابودی انسانهای بی‌شمار در اردوگاههای کار اجباری، زندانهای مخوف داخائو و میادین گسترده نبرد، پی‌ریزی شد. ولی با فروکش کردن آتش جنگ، توجه تمام جوامع بشری به فلسفه اصالت انسان در برابر خدا، جلب شد. (چیزی که تقریباً با عصر رنسانس آغاز شده بود، در این مقطع خاص، نمود بیشتری پیدا کرد).

جامعه جنگ زده مانیز بالطبع باید از خود واکنشی نشان می‌داد. نسل جوان ما به دلیل خصوصیات شرقی و وابستگی به فرهنگ غنی اسلام و مشرق زمین، تعابیل زیادی به

می‌کردند. این رویکرد به آثار سبهری حتی در رادیو و تلویزیون هم به خوبی مشهود بود. در برنامه‌های آخر شب رادیو - مثل راهبان شب - و هر برنامه‌ای که به مناسبتی در آن شعر و شعرخوانی بود، به وفور از شعرهای سبهری استفاده می‌شد. علاوه بر کسانی که از روی علاقه شخصی، شعر او را انتخاب می‌کردند، عده‌ای هم در معرض تب‌گرایش به شعر سبهری قرار گرفتند و دنباله‌رو این خیل عظیم شدند. نگارنده این گرایشها را بیش از حد معمول، افراطی می‌بیند و البته این تنها يك جنبه از رویکرد به شعر سبهری است و با این برداشت قصد آن نیست که از ارزش کاروی کاسته شود. سبهری به خوبی جای خود را در دل شعر دوستان باز کرده است. هدف این مقاله اشاره به بعضی گرایشهای افراطی به طور عام است. «سهراب‌زدگی» يك پدیده محسوب می‌شود و کاملاً قابل تعمیم به بعضی از مقولات فرهنگی است. مثلاً شبیه به همین مساله را در مورد موسیقی سنتی هم داریم.

علت دیگری که این کشش را در جامعه ما - به خصوص در بین نسل جوان - به سوی شعر سبهری به وجود آورد می‌توان ناشی از اوضاع خاص اجتماعی و به خصوص

دهه شصت را پشت سر گذاشتیم. دهه‌ای که توأم با فراز و فرودهای فراوانی بود. در این دوره کوتاه شاهد حوادث و مصائب تاریخی مثل جنگ تحمیلی و زلزله عظیم شمال و نیز رویدادهای سیاسی اجتماعی دیگری بودیم که پیر فعالیت هنرمندان در جهت شکوفایی کار آنها و ارائه آثار درخور توجه و ماندگاری تاکید می‌کرد. به جرأت می‌توان گفت هنرمندی که بیشترین تأثیر را در این دهه بر نسل جوان گذاشت، سهراب سبهری بود. اگر دهه چهل و نویستندگان آن زیر نگین جلال آل احمد بودند، دهه شصت را باید دهه تسلط سبهری [در عرصه شعر] دانست.

توجهی که به اشعار سبهری در این ده سال شده است شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد و ردپای او را در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی و هنری می‌توان به خوبی دید. به دیگر سخن اگر منتقدی کتاب یا شعری را نقد می‌کرد گریزی هم به یکی از شعرهای سبهری می‌زد. پاره‌هایی از اشعار وی به صورت کلمات قصار، ورد زبانها شد. حتی در بسیاری از مقالاتی که در روزنامه‌ها و مجلات در زمینه جنگ و حوادث سیاسی درج می‌شد، نویستندگان، شعری از او را چاشنی کلام خود

رگه های عرفانی با دیدی نو، در کارهای سهراب سهری فراوان است و عمده
علاقه به شعری ناشی از همین مسأله است. بسیاری از دوستداران سهری
آرامش و تسلایی رامی جویند که جامعه پس از جنگ قادر نیست به آنها ارزانی کند.

عرفان دارد؛ عرفانی که او را از یلیدیهایی
زندگی روزمره و نیز روبرو شدن با فجایعی
مثل بمباران شهرها و از دست رفتن عزیزان و
هموطنانش رها ساخته و به آرامشی درونی
فراخواند.

رگه های عرفانی با دیدی نو، در کارهای
سهری فراوان است و به زعم نگارنده عمده
علاقه به شعری ناشی از همین مسأله است.
بسیاری از دوستداران سهری از شعر او
آرامش و تسلایی را می جویند که جامعه
جنگزده، قادر نیست به آنها ارزانی کند. این
است که تقاضا برای کتابها و شعری روبرو
فروزی می نهد و در این دهه بازار کتابهای
سهری بسیار داغ می شود.

«هشت کتاب» ابتدا با قیمت های باور
نکردنی بین علاقه مندان دست به دست
می گشت، و حتی هنگامی که چندین بار
تجدید چاپ شده بود باز با قیمت گزاف و
خارج از عرف عرضه معمول کتاب، در بازار
سیاه به فروش می رسید. این تجدید چاپها
ادامه یافت تا بازار را اشباع کرد. ناشران،
حتی به فکر خریداران کم بضاعتی که قدرت
پرداخت مبالغ پانصد یا ششصد تومان را
نداشتند، افتادند و منتخبی از اشعار سهری
را با قیمت نازل تر چاپ کردند که آن هم ظرف
مدت کوتاهی به جایهای مجدد رسید.

با اطمینان می توان گفت که بیشترین
خوانندگان شعر معاصر را، در دهه اخیر
خوانندگان شعر سهری تشکیل داده اند و
برفروشنترین کتابهای شعر نو این دهه،
کتابهای سهری بوده است.

یادواره ای هم برای شاعر مرحوم ترتیب
داده شد و کتابی با جاب نفیس، مزین به
عکس و تفصیلات و تصویر سنگ قبری
به بازار آمد. فرد دیگری هم که تخصص
زیادی در جمع کردن نامه ها و نوشته های
براکنده دیگران و نشر آنها دارد، به فکر تهیه
مجموعه حجیمی از اظهارنظرهای شاعران و
هنرمندان درباره سهری افتاد (که گویا
حاصل ۶ سال تلاشی ایشان است). و این
یادنامه «صدای پای اب» نام گرفت و بالغ بر
۱۲۴۸ صفحه شد. قیمت آن هم بسته به
انصاف فروشنده است!

و اما در اواخر این دهه کتاب «اتاق آبی»
با تیراژ بالای ۱۰/۰۰۰ جلد بیرون می آید که
نگارنده از تجدید چاپ احتمالی آن بی خبر
است. کتاب شامل سه بخش کاملاً تفکیک
شده است و دلیل این که پس از گذشت ده
سال از مرگ شاعر، کسی به فکر چاپ آن

افتاده، کاملاً واضح است.

این تریلوزی اشفته که فقط فصل «اتاق
آبی» آن کامل است ولی بی ربط بودن مطالب
آن، ذکر مقالات اختصاصی هنری همراه با
واژه های اساطیری، عبارات لاتین و
اصطلاحات بودایی - که خواندن متن را
مشکل می کنند، چه برسد به فهم آن - سوال
برانگیز است. وقتی با استقبال چشمگیر
خوانندگان مقایسه شود آدمی را به یاد گروه
«بیتل ها» می اندازد که استخوانهای مرغ
تناول شده و ته سیگارهایشان، بین جوانها تا
ده دلار خرید و فروش می شد! و مگر این
موضوع میل بیمارگونه به قهرمان سازی و
قهرمان پرستی را نمی رساند؟

«اتاق آبی» نوعی نگاه تازه به جهان
است؛ نگاهی عرفانی، رمزآلود و توأم با
سمبل های زیاد به یک موضوع پیش با افتاده -
مثل محیط خانه - سهری در این کتاب به
خوبی منظورش را از اینکه باید به اشیاء جور
دیگری نگریست بیان می کند.

کتاب، مثنی شکسته بسته دارد که شاعر
فرصت ویرایش آن را پیدا نکرده و قصد هم
نداشته است آن را به صورت کنونی به چاپ
برساند. کتاب مذکور بدین شمایل تنها
مناسب معدود محققینی است که علاقه مند
آشنایی با مشرب فکری و زمینه مطالعاتی
سهری هستند. اما ظاهراً ناشر از گرایش
شدید مردم سود جسته و کتاب را در تیراژ بالا
چاپ کرده است.

شاعر مرحوم درجایی از این کتاب
(صفحه ۲۵) نویسنده صاحب سبکی چون
صادق هدایت را تنها به خاطر این که از
«نیلوفر کیوه» یاد کرده، مقلد «مزوال» قلمداد
می کند و به همین دلیل او را نویسنده ای
سطحی می داند.

توجه بیش از حد به سهری، اگر نگوییم
جنبه مراد و مریدی که صیغه عاشق و
معشوقی به خود گرفته است. زیرا تنها عاشق
است که کاستیهای معشوق را نادیده
می انگارد. تا به حال هرچه نقد و بررسی روی
آثار وی انجام شده صرفاً تحسین آمیز بوده و
هیچکس روی نقاط ضعف و نارساییهای کلام
وی انگشت نگذاشته است.

از این عشاق سینه جاک، یک تن به خود
اجازه نمی دهد که بگوید بعضی از شعرهای
سهری فاقد معناست. موارد آن را کسانی که
باشعری وی آشنا نیستند به خوبی می شناسند (به
عنوان مثال نگاه کنید به شعرهای کتاب «ما
هیچ، ما نگاه» جالب است که خواننده
شیفته، وقتی به چنین اشعاری می رسد، غیر
قابل درک بودن آنها را به قلت بضاعت فکری
یا علمی خود نسبت می دهد و هیچ نمی گوید
که ممکن است عیب کار از جایی دیگر باشد.
به عقیده من شعرهای سهری، شعرهایی
خصوصیست و به همین دلیل، خواننده به
سختی می تواند تمام ابعاد آنها را درک کند و
فقط محو تماشا و تصویرسازی و بازی با
کلمات شاعر می شود و از جاندار بدین اشیاء
در چشم شاعر لذت می برد. برای فهم دقیق
شعرهای سهری باید همراه او زاده شد، با او
زندگی کرد و در تمام خاطرات و حوادث
زندگیش شریک گشت، که البته این کار جز
برای خود شاعر، برای کس دیگری مقدور
نیست.

یکی از منتقدین که به درک مطلوبی از شعر
سهری رسیده است، دکتر «سیروس
شمیسا» است که در دو نوبت، دست به نقد و
تفسیر دو شعر اساسی شاعر یعنی «صدای
پای اب» و «مسافر» در کبهان فرهنگی زده
است. نویسنده کتابی نیز به وجوه اشتراک
بین شعر «سهری» و «بیدل» می بردارد.

اما، تمام این کوششها جوابگوی
علاقه مندان روزافزون شعر سهری نیست. به
همین دلیل، کاست اشعار وی برای آن عده
که حال خواندن کتاب را ندارند یا قادر
نیستند آن را درست بخوانند، وارد بازار
می شود که با استقبال خوبی نیز روبرو
می گردد.

از دیگر جنبه های هنری شاعر، نقاشی
است. کتاب «شاعر نقاش» حاوی چند شعر
با نابلوهایی مصور از اوست که با جاب
نفیس عرضه می شود و در مدت زمان کوتاهی
تاپاب و بعد هم روانه بازار سیاه می شود.
نمایشگاههایی از آثار نقاشی وی در تهران و
چند شهر دیگر هم به پا می شود که مهمترین
آنها «نگارخانه سهری» است. ناگهان
سهری نقاش بزرگی قلمداد می شود و
شهرتی که وی به عنوان نقاش می باید تا حد
زیادی تحت تاثیر نام وی است چرا که بعضی
نابلوهایی وی حتی در مقابل نابلوهایی که
نقاشان دست دوم مامی کنند، کمرنگ جلوه
می کند!

تأثیر سهراب سهری در کار اکثر شاعران جوانی که بعد از انقلاب شروع

به سرودن کردند، به خوبی هویدا است.

کتاب «اتاق آبی» متنی شکسته بسته دارد که شاعر فرصت ویرایش آن را پیدا نکرده و قصد هم نداشتند است تا آن را به صورت کنونی به چاپ برساند. کتاب مذکور، بدین شمایل تنها مناسب معدود محققینی است که علاقه مند آشنایی با مشرب فکری و زمینه مطالعاتی سپهری هستند.



جمله «گل آقا» چاپ می‌شود. شکل مضحکی از آثار شاعر مرحوم است. گویی طنزپردازان، نیز مورد دیگری برای مسخره کردن، بهتر از شعر سپهری نیافته‌اند.

دهه ۶۰ در بست در اختیار سهراب سپهری است
ظاهرا بسیاری از شاعران جوان بعد از انقلاب علاقه مند به ادامه راه سپهری هستند.

○ بررسی شناخته‌ای که از نظر آنان گذشت، تاملی در یکی از مسائل فرهنگی است که جامعه ما بدان دچار است. با درج این مطلب بی شک فریاد خشم آلود شیفتگانی که گمان می‌برند به بت اعظمشان توهین شده است بلند خواهد شد. اگر چنین شود، به دلیل سخنی که من گفته‌ام نیست بلکه نوعی برداشت غلط از مطلب را باید مطرح ساخت. منظور، اشاره به نوعی افراط در به اصطلاح «قهرمان سازی» در عرصه فرهنگ و هنر بود و پس

با این همه، دامنه نفوذ سپهری بیش از این مقدار است. به گونه‌ای که همه جا می‌توان نام او را شنید. حتی نگارنده‌ای که نقد قلم می‌نویسد، دوست دارد از جادوی شعر وی استفاده کند. تب سپهری فراگیر می‌شود و حتی فیلمسازان هم در حوزه این تب می‌سوزند. فیلم «خانه دوست کجاست» با الهام از شعری به همین نام ساخته می‌شود. «آب را گل نکنیم» نام فیلمی دیگر می‌شود که آن هم وامدار شعر سپهری است. حتی برنامه‌ای با همین عنوان از تلویزیون پخش می‌گردد و اگر اسامی قلم‌های ۸ میلیمتری را که کارگردانان آماتور ساخته‌اند به این سیاهه بیفزاییم، فهرستی طومار مانند به دست می‌آوریم.

دهه ۶۰ درست در اختیار سهراب سپهری است. اگر نویسندگان دهه ۴۰ دوست داشتند به روال صادق هدایت بنویسند، شاعران جوان بعد از انقلاب علاقه‌مند به ادامه راه سپهری هستند. این تاثیر هم از لحاظ سبک کار و هم از لحاظ دیدگاه، قابل اعتناست.

اغلب شاعران جوان، با شعر کلاسیک آشنایی اندکی دارند، که آن هم محدود به کتب درسی دوره دبیرستان است. وزن و قافیه و عروض را هم که اصلا نمی‌شناسند. و از طرفی در خود، شور و شوق بیان احساس می‌بینند و نیازمند بروز آند، پس دخیل شعرشان را به پنجره یولادین مولانا سپهری می‌بندند. این گروه که از پشتوانه ادبی بسیار اندکی برخوردارند و توانایی سرودن شعر آهنگین را - چنانکه پیشتر از شعر نو یعنی نیما و اخوان داشتند - ندارند، رویه سوی سپهری و سبک روان و ساده و بدون وزن وی می‌آورند. حاصل این تقلید، شعرهای بی‌مایه و کم جانی است که زیاد سروده می‌شود اما خوانندگان کمی دارد. شاید پاسخ سوال یکی از صاحب نظران که مطرح کرده بود: چرا دفترهای شعر شاعران جوان از تیراژ دو و سه هزار تجاوز نمی‌کند، جملات فوق باشد.

داشت و مستقیماً آن را تجربه کرده بود. اما بیرون ناخلفش از حداقل این آگاهها و تجارب، بی بهره‌اند. حتی توجواتهایی که اصلا معنی عرفان را نمی‌دانند، با نگاه از درجه چشم وی، شروع به سرودن شعرهایی در حال و هوای عرفانی می‌کنند که ارزش این قبیل کارها از پیش مشخص است. تاثیر سپهری در کار اکثر شاعران جوانی که بعد از انقلاب شروع به سرودن کردند به خوبی هویداست و گاه این تاثیر به تقلید صرف هم کشیده می‌شود. مخرب ترین عنصر در کار یک شاعر تقلید کورکورانه از شاعری دیگر است. هنرمند باید تلاش کند

تا دنیا را از چشم خود بنگرد. توجه به سپهری و شعر او حتی وارد مقوله طنز و فکاهی نیز می‌شود. حتی تقریباً بیشتر اشعار طنزی که به سبک شعر نو در مجلات طنز و فکاهی من

سهراب سپهری به دلیل آشنایی با عرفان هندی و مطالعه متون عرفانی هند مانند: «ودا» و «اوپانیشاد» از مایه‌های کلامی زیادی برخوردار بود. او بر آنچه می‌سرود آگاهی

توجه پیش از حد به سپهری، اگر نگوییم جنبه مراد و مریدی که صبغه عاشق و معشوقی به خود گرفته است، زیرا تنها عاشق است که کاستیهای معشوق را نادیده می‌انگارد.